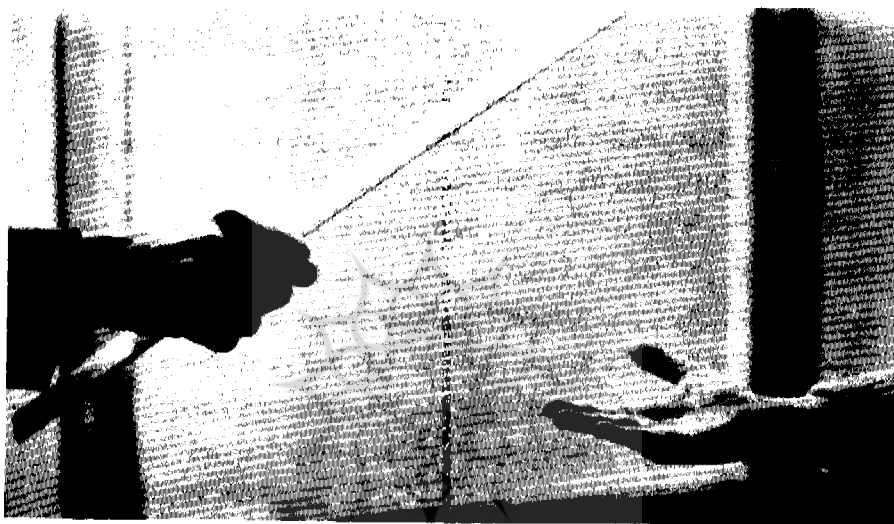


تنبیه، حساسترین وسیله تربیت

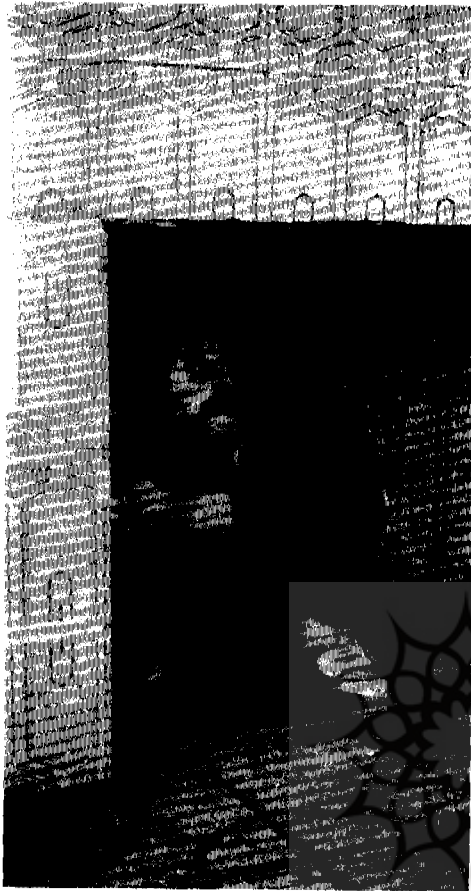
①



تمام اوضاع زندگی و خصوصیات فردی کودک، بکار برده می شوند. در غیر اینصورت تأثیر موارد یاد شده در تربیت کودکان نه فقط نفعی نمی رساند بلکه مضر نیز می باشد. ابتدا از تربیت بچه کوچولوها گفتگو می - کنیم.

چنانکه می دانیم، این انسان کوچک، بدون هیچ گونه دانش، عادت و مهارت، ولی با احتیاجات مبرانه به وجود می آید. او می - خواهد بخورد، بنوشد، بخوابد، حرکت کند و علاوه بر آن می خواهد جهان را درک کند. در کودکان از همان ماه اول زندگی میسل فراوان به آشنائی با محیط شروع می شود. آنها

موضوع گفتار من خیلی مشکل است، من باید پدران و مادران را به چیزی منعقد سازم که شاید با تجربه زندگی روزانه آنها و سنت هائی که از گذشته دور به ما رسیده است، مخالف باشد. من باید ثابت کنم که نه تنها تنبیه بدنی، بلکه هرگونه خواست بی چون و چرائی که مغایر با نیازها و آرزوهای کودک است و اجباری که با استفاده از قانون "حق با من نیرومند و بزرگتر است" نسبت به بچهها روا می داریم و تمام موازین تربیتی فقط در موارد استثنائی و خیلی با احتیاط، با در نظر گرفتن



می خواهند تا آنجا که ممکن است چیزهای تازه و آشکار ببینند ، سپس می خواهند با دست بگیرند . به اشیا دست بزنند و بعد بکار ببرند و اغلب فعالیت ناآرام ظاهر می کنند .

ابتدا این فعالیت خیلی ابتدائی است کودک به هر چیزی که در اطرافش می بیند دست می اندازد ، در این مورد اساساً چیزی که دردسترس او قرار ندارد ، همان چیز تازه و غیر معمولی است ، او بهمه جا با لجاجت می رود خیلی چیزها را خراب کرده ، می شکند ، اغلب خود را به بدبختی می کشاند ، می افتد ، می سوزد و ممکن است خود و دیگران را زخمی کند . مزاحم اطرافیان می شود و آنها را عصبانی می کند . با وجود این بزرگترها باید بخاطر داشته باشند که هر چند کودک کوچولو اغلب لجباز و یا حتی شیطان به نظر می رسد ، ولی رفتارش از میل بد او سرچشمه نمی گیرد ، بلکه از اهمیت نیاز او حکایت دارد ، و نه تنها نباید این نیاز را سرکوب ساخت ، بلکه باید هر طور شده آنرا محافظت نموده ، تقویت کرد . زیرا این همان نیازی است که بدون ارضای آن ، مغز کودک ، عقل کودک و تمام روح کودک نمی تواند بطور طبیعی رشد کند . اما همچنانکه نباید جلو فعالیت کودک را گرفت ، اجازه هم نباید داد تا کار غیر مجازی انجام دهد ، یعنی باید فعالیت او را به سوی کار مجاز و حتی مفید جلب نمود . مثلاً کودک چیزی را می خواهد که نباید به آن دست بزند ، در عوض می توان چیز دیگری را که جالب و سرگرم کننده باشد به او داد . و حالاً شخص بزرگتری را در نظر بگیریم که نمی خواهد نیازهای کودک را تحت فشار بگذارد .

نتیجه چه خواهد شد؟

کودک پس از کنگ خوردن ، پس از دادزدن

عملاً " سکوت می کند ، او با اشک از اولین قصد خویش انصراف می جوید و مطیع بزرگتری می شود .

در چنین مواردی ، بزرگتر معمولاً " رضایت کاملی احساس می کند . او کودک را با انضباط کرده ، او را مجبور به اطاعت نمود و منظم کرد .

ولی چنین " موفقیتی " در اکثر موارد گران تمام می شود . باز اگر تنبیه و بجای خود نشان دادن به ندرت صورت گیرد خوشت ، اما تصور کنید که پی در پی انجام شود . در این صورت در کودکان کوچولو کم کم منفی گری ، بی ارادگی

اغلب تکرار شود، روابط میان کودک و بزرگتر خصوصیت مبارزه نامتساوی طولانی پیدامی کند که سرانجام هردو طرف بازدهده می شوند. کودک ناراحت می شود، زیرا شخصیت او تحریف می شود، پدر و مادر رنج می برند، هم بخاطر خود و هم بخاطر کودک.

همه آنچه که تا حال گفته شد مربوط به کودک کوچولو بود. آیا کودکان دبستانی یا نوجوانان نیاز به تربیتی دیگر دارند؟ اجازه بدهید جنبه روانشناسی این موارد را بررسی کنیم.

خواست بزرگترها از کودک دبستانی با همان خواست هائی که کودک نسبت به خود و نسبت به اطرافیان نشان می دهد منطبق نیست. مثلا بزرگترها، درشت صحبت کردن با معلم یا مربی را بدو شرم آور می دانند ولی محصلی ممکن است چنین رفتاری رایکنوع "فهرمانی" بداند. بزرگترها لگد کردن چمن ها و شکستن شاخه های درختان و دعوا و معرکه کردن با عابریں را اوباشی و عریده جوئی می دانند ولی نوجوان بد تربیت شده ممکن است این را

بی تفاوتی نسبت به اطرافیان آغاز می شود، در آنها کنجکاو و دانش دوستی از بین می رود و ابتکارشان را از دست می دهند. در بسیاری از کودکان عدم اطمینان به خود، ترس و احساس نقص شخصی بروز می کند.

با وجود این تمام این نتایج فوراً ظاهر نمی شود، آنها مدت های مدیدی از نظربنهان می مانند.

بنابراین برخی از مردم کم اطلاع و غیردوراندیش در اعتقاد راسخ خود باقی هستند که اجبار و تنبیه - آسانترین و راحت ترین وسیله و عامل سریع تربیت است.

وقتی که کودک آنها منفی گرو و ترسو بار می آید، آنها به حساب تربیت بچهمی گذارند. این امر بصورت دیگری نیز دیده می شود یعنی کودک می تواند دارای چنان قدرت و نیاز شدیدی باشد که بزرگتر نتواند به آسانی او را منقاد نفوذ خود سازد. در این موقع فعالیت کودک، خواست و میل مصرانه او با مخالفت بزرگترها برخورد می کند و اختلاف شدید و لاینحلی بروز می نماید. اگر چنین اختلاف هائی



دلآوری تصور کند و بخود ببالد که او از این نوع رفتار کردن علی رغم ممانعت اطرافیان نمی ترسد .

اگر چنین نوجوانانی تسلیم درخواست بزرگترها شوند و رفتار دیگری نکنند ، صورتی - کنند که ضعف نفس نشان داده اند .

بنابراین انتظارات بزرگترها از نوجوانان بر زمینه خیلی مشکل روانشناسی قرار دارد .

مثلا این مورد را انتخاب می کنیم : خانم معلم جوانی از روی بی تجربگی از نوجوانی می خواهد ریفش را که عملی انجام داده است صدا بزند ، اما نوجوان از انجام این کار خودداری می کند . او عمیقا " معتقد است که این " چغلی " است و نباید این کار را بکند . این دانش آموز در این مورد هر قدر هم سرسخانه در مقابل بزرگترهاستند ، ماباید نسبت به او احترام بیشتری قائل شویم ، زیرا او از احساسات اخلاقی و معتقدات خود دفاع می - کند .

مورد دیگر : نوجوانی شدیداً " معتقد است که اگر نگذارد ریفش از روی نوشته اش بنویسد و یا در موقع درس جواب دادن به او نگوید ، بداست رفتاری غیر دوستانه است . چنین رفتاری نسبت به از رو نوشتن و یا یواشکی گفتن نادرست و اشتباه است ، ولی مگر خود ما وقتی با تهدید و تنبیه موفق می شویم دانش آموز را وادار کنیم که طبق میل و خواست ما و برخلاف عقاید خود کاری کند ، درست رفتار می کنیم ؟ مسلماً " می - توان به چنین مقصودی نایل شد ، اما این راه برای تربیت واقعی خیلی سنگین و مضر خواهد بود .

اولا ، ما کودک را مجبور به اظهار ضعف و تغییر دادن عقیده خود می کنیم ، و این خود -

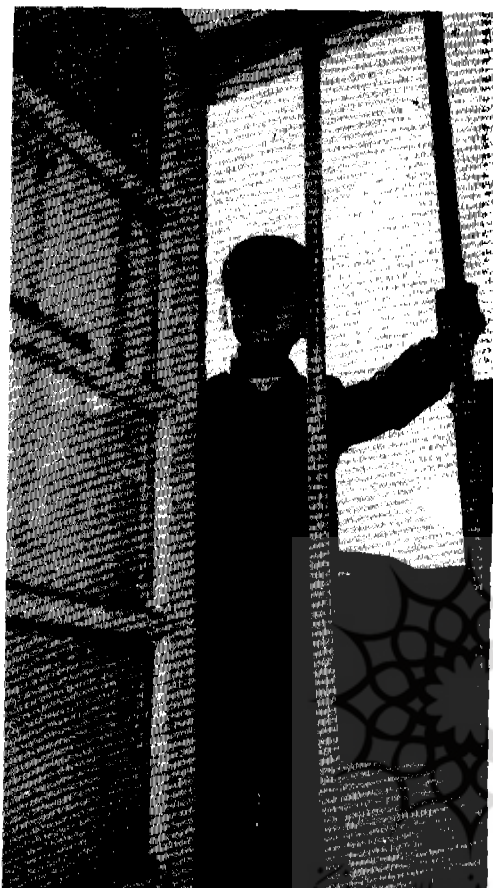
بخود ، حالا عقیده اش هر چه باشد ، بداست . اگر موفق به تغییر دادن و باز سازی عقایدی شویم ، امر دیگری است ، اما با تنبیه و یا با روش های دیگر اجبار ، نمی توان به چنین نتیجه ای رسید .

ثانیا " ، کودکی که مطیع بزرگتر باشد ولی به عقیده خود پای بند ، تا زمانی به فرمان بزرگترها خواهد بود که تهدید مجازات بالای سرش باشد ، تا " چشم برداشتی " دوباره به رفتار خود برمی گردد . ما بطریق اجبار و فشار فقط به منقاد کردن صورت ظاهری موازی - اخلاقی و رابطه ظاهری با آنها موفق می شویم اما این هرگز آن نتیجه تربیتی نیست که ما باید متوجه آن باشیم .

علاوه بر آن ، اجبار یا تهدید به مجازات نو آموز ، جهت اجرای دستوری که به نظر کودک نادرست یا غیر منصفانه است ، سبب بی - احترامی و بی اعتمادی نسبت به بزرگتر می گردد و این نتیجه مهلکی برای تربیت بعدی کودک در بردارد .

خانواده هائی وجود دارند که ، پدران و مادران و کودکان از فهمیدن یکدیگر و احترام گذاشتن به همدیگر خودداری می کنند . در چنین خانواده هائی نفوذ پدر و مادر روی کودکان برابر با صفر است ، و بزرگترها امکان رهبری و ایجاد شخصیت در کودکان خود را از دست می دهند .

بدین ترتیب ، برای تربیت صحیح در سنین نو آموزی ، مانند سنین کودکی ، باید سعی کرد تا کودک خواست بزرگتر را " درک کند " به او اعتماد کند و میل انجام آنرا داشته باشد . به عبارت دیگر ، باید در نظر داشت ، درخواستی که از لطفا " ورق بزنید



کودک، خصوصا از نوجوان داریم درخواست شخصی نسبت به خود او باشد. این بدان معنی است که بزرگترها در وهله اول روی امیال، عقاید نظریات و ایده‌های کودک اثر بگذارند و تنها در موارد نادری به اجبار و تنبیه اقدام کنند و هیچ وقت تنبیه را به صورت نظم‌در نیاورند.

اما در هر حال آیا مواردی هست که بزرگترها باید کودک را تنبیه کنند؟ بلی، حتما هست. مثلا اگر کودک در سنین نوآموزی و یسا حتی دانش آموزی باشد و بداند که پدر و مادرش استراحت می کنند، به سرو صدا ادامه دهد و اعتنائی به اطلاع قلبی و به خواهش آنها - با اینکه به حفا نیت پدر و مادرش واقف است - نکند، نه تنها می توان، بلکه باید تنبیهش کرد.

تنبیه در این گونه موارد، باین جهت ضروری است که در کودک تجربه اخلاقی خاص عادت به خواست اطرافیان، توانائی کنترل و احساس وظیفه و مسئولیت در برابر رفتار خویش تشکیل یافته است.

پدر و مادر باید بدانند که تنبیه، این وسیله تند و باریک تربیت باید با احتیاط و خصوصا "با بینش، مورد استفاده قرار گیرد.

مجازات بکار برده شده در اوج عصیانیت بدون در نظر گرفتن تمام اوضاع و جوانبی که جرم در آن صورت گرفته است، ممکن است چنانکه قبلا گفته شد، به نفخ رابطه میان پدر و مادر و کودکان منجر بشود و می تواند موجب جدائی، عدم اعتماد متقابل و حتی کینه و دشمنی گردد.

تنبیه حساب نشده ممکن است در کودک نسبت به درخواست اظهار شده یا نسبت به کاری

که به خاطر عدم اجرای آن تنبیه شده، دشمنی ایجاد کند، مثلا خصومت نسبت به آموزش یسا کار بوجود آورد.

یعنی قبل از اینکه تنبیه بکار برده شود لازم است، کارباین وسیله حساس تربیتی را آموخت، فهمید که کدام مجازات را در کدام شرایط می توان بکار برد و کدام تنبیه را در کجا و چگونه استعمال کرد یا نکرد.

لا بد، برخی از پدران و مادران منتظرند که بدانند در مقابل کدام جرمی، کدام تنبیه را باید معمول داشت. مثلا اگر درش را حاضر نکرد باید از تفریح محرومش کرد، اگر عملی که

منع شده بود، انجام داد، از خوردن تنقلات محروم نش نمود و یا اگر در کوچه با کودکان دعوا کرد مدتی اجازه گردش به وی نداد.

اما این گونه پدران و مادران راکه چنین انتظاراتی دارند لازم است مایوسشان کرد، این گونه نسخه‌های حاضر و آماده کاملاً خصوصیت فردی دارند. مثلاً کودکی که شیشه‌ای را شکست چگونه مجازاتش کنیم؟ روشن است که این مسئله بستگی به اوضاع و احوال دارد، به عللی که به سبب آن شیشه را شکسته است، و بسته‌باینکه کودک در چه حالتی این کار را کرده است، آیا این گونه عمل مکرراً از وی سر می‌زند؟ آیا او این کار را در حالت ناراحتی انجام داده است؟ آیا در حالت عصبانیت بوده یا این عمل او ناشی از نیت قبلی بوده است؟ و یا نتیجه تحریک و یا ترس از سرزنش دوستانش بسوده است و بسیاری علل دیگر.

پس هر بار پدر و مادر باید تمام اوضاع و احوال و جوانب و علل رفتار غیرمجاز را بسنجند و بعد تصمیم بگیرند. آیا دلیلی برای مجازات کودک دارند و این مجازات به چه صورتی باشد؟

یعنی باید تمام جوانب کار را ضمن مجازات در نظر گرفت.

از کتک زدن، زندانی کردن در انباری، اطباق تاریک و صندوق خانه باید خود داری نمود.

مجازات ها ممکن است خصوصیات گوناگونی داشته باشند: می توان کودکان را از بعضی تفریحات، پاداشها و خوشی ها محروم نمود می توان کودک را در برخی کارها و در بعضی حقوق محدود کرد و حتی در حرکات (مثلاً "اگر کودک خیلی شیطنت کرده، می توان او را روی صندلی نشاند و دستور داد تا مدتی آنجا بنشیند) محدودیتهائی قابل شد. ممکن است انواع مختلف سرزنش را با عبارات سبک اظهار نارضائی شروع کرد و با سرزنش شدید حسی قطع معاشرت موقتی با کودک، تمام کرد (یعنی با کودک قهر کرد) اما هراخلاقی مجازاتسی دارد، کودکی که منقاد آنها می شود، نیاید احساس حقارت و عدم شایستگی شخصی کند.

قبل از هر چیز باید بخاطر داشت که قطعاً تمام مجازات هائی را که شخصیت کودک را پائین می آورند، نظیر تنبیه بدنی و ترس از درد آن و آنچه که اراده کودک را تحت فشار می گذارد و شکست می دهد باید کنار گذاشت.

ترجمه محمد تقی زاد

بهترین خیرها که نوجوانان بایستی یاد بگیرند کارهایی است
که به هنگام بزرگسالی محتاج بآنها خواهند بود